

هفت سین عارفانه

تحلیلی قرآنی - عرفانی بر

«هفت سین عارفانه» سروده دکتر کاظم محمدی

فرگس گلبروی داد

www.ketabo.ir



سرشناسه: گلپوری راد، نرگس، ۱۳۵۶ -، توشیحگر

عنوان و نام پدیدآور: هفت سین عارفانه: تحلیلی قرآنی - عرفانی بر سروده «هفت سین عارفانه» کاظم محمدی/نویسنده نرگس گلپوری راد.

مشخصات نشر: کرج: نجم کبری، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۲۷۰ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۴۱-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: تحلیلی قرآنی - عرفانی بر سروده «هفت سین عارفانه» کاظم محمدی.

موضوع: محمدی، کاظم، ۱۳۴۰ - هفت سین عارفانه -- نقد و تفسیر

موضوع: شعر عرفانی فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

Sufi poetry, Persian - 20th century - History and criticism

شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

Persian poetry - 20th century - History and criticism

شناسه افزوده: محمدی، کاظم، ۱۳۴۰ - هفت سین عارفانه. شرح

رده بندی کنگره: PIR۸۲۰۳

رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۱۵۶۱۵



نام کتاب: هفت سین عارفانه

تحلیلی قرآنی - عرفانی بر سرودم «هفت سین عارفانه» کاظم محمدی

نویسنده: نرگس گلپوری راد

انتشارات: نجم کبری

چاپ و صحافی: ناژو

تیراژ: ۲۰۰

چاپ اول: ۱۴۰۲

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۹۹-۴۱-۱

ناشر برتر البرز در سال ۱۳۹۴ و ناشر برتر زنان در نهمین همایش بانوان ناشر در سال ۱۳۹۶

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۲۱	دیباچه دکتر کاظم محمدی
۲۵	هفت‌سین عارفانه
۲۵	دیباچه هفت‌سین
۲۶	سروده نخست: بهار عارفان
۳۱	سروده دوم: هفت‌سین عارفانه
۳۳	۱- سین اول: سماع
۳۳	۲- سین دوم: سخاوت
۳۴	۳- سین سوم: سلام
۳۵	۴- سین چهارم: سفر
۳۸	۵- سین پنجم: سُکر
۳۹	۶- سین ششم: سرّ
۴۰	۷- سین هفتم: سَهَر

۴۲ خاتمه
۴۵ سروده سوم: کوچ به کوچه بهار

۴۷ چرایی و چگونگی جشن آفرینش و سفره نوروز
۴۷ جشن
۴۷ ۱- نوروز، جشن بازگشت به زندگی
۴۹ ۲- نوروز، آفرینش و جشن توزیع بخت
۴۹ ۳- نوروز، تجلی عناصر فرهنگ مدنی

۵۱ جشن آفرینش
۵۲ سفره نوروزی
۵۴ هفت سین
۵۷ هفت سین در تهران
۵۸ هفت میم در بوشهر
۵۸ سفره نوروزی در کشمیر
۵۹ نوروز در پاکستان

۵۹ راز عدد هفت
۶۰ ۱- عدد هفت در مذاهب و تاریخ جهان
۶۱ ۲- عدد هفت در قرآن مجید و سنتهای اسلامی
۶۱ ۳- عدد هفت در عرفان و ادب فارسی

۶۳ نوروز در شعر و ادبیات حکمی - عرفانی
۶۴ ابومحمد جریری

- ۶۴ ابو حامد محمد غزالی
- ۶۵ ابوسعید ابوالخیر
- ۶۶ روزبهان بقلی شیرازی
- ۶۹ عطار نیشابوری
- ۷۰ اوحدالدین کرمانی
- ۷۰ جلالالدین محمد مولوی
- ۷۲ فخرالدین عراقی
- ۷۳ امیر حسینی هروی
- ۷۵ علاءالدوله ممکنانی
- ۷۶ ملا محسن فیض کاشانی
- ۷۹ عبدالباقی گولپینارلی

۸۱ تحلیل فلسفه روایات نوروزی

- ۸۹ تحلیل عبارات قرآنی - روایی در هفتسین عارفانه
- ۹۱ انواع تأثیرپذیری قرآنی - روایی

۹۱ ۱- تأثیرپذیری زبانی

- ۹۱ ۱-۱ داستان روح
- ۹۵ ۲-۱ داستان باروری مریم
- ۹۸ ۳-۱ داستان پیروان عیسی مسیح
- ۱۰۲ ۴-۱ داستان بهار
- ۱۰۶ ۱-۴-۱ پیوند بهار و رستاخیز
- ۱۰۹ ۲-۴-۱ پیوند بهار و دادگری الهی

پیش گفتار

«نخستین سرزمین و کشوری که
من [اهورامزدا] آفریدم، ایران ویج بود، بر کرانه رود دای تیای نیک.
پس آنگاه اهریمن همه تن مرگ، بیامد به پندارگی،
اژدها در رود دای تیای نیک بیافرید و
زمستان دیو آفریده را بر جهان هستی چیرگی بخشید».

در پایان دوره چهارم یخبندان، دوران حاضر زمین‌شناسی، در هزاره
دهم پیش از میلاد مسیح - یعنی ۱۰۶۰۰ سال پیش از هجرت پیامبر و
یا بیش از ۸۰۰۰ سال پیش از زایش اشوزرتشت - رخداد تازه‌ای
ایران‌ویج را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
در این دوره یخچال‌های «ورم» (worm) که در حال ناپدید شدن
بودند، برای آخرین بار گسترش می‌یابند. گسترش یخچال‌ها تا عرض

۳۳ درجهٔ شمالی را دربر گرفت و باعث سرد شدن هوای فلات ایران گردید.^۱

ایران ویج یا نخستین بنگاه ایرانیان دچار سرما و یخبندان شد، به گونه‌ای که در آنجا، ده ماه زمستان بود و آن دو ماه برای آب‌و‌خاک و درختان، سرد بود. ایرانیان برای در امان ماندن از سرما به زیر زمین «ور»^۲ پناه بردند. ایرانیان که «ور» نشین شدند، هرازگاه چند تن از «ور» بیرون می‌شدند تا بدانند که آیا سرما کاهش یافته و شدت یخبندان چگونه است؟ سرانجام روزی که از «ور» بیرون می‌روند و جای پای رَمه را بر روی برف‌ها می‌بینند، بسیار شگفت‌زده می‌شوند زیرا آنان از پیش می‌دانستند که «از آن پیش که برف‌ها بگدازند، اگر ایدر جای پای رَمه در جهان استوارند، دیده شود، شگفتی انگیزد». ایرانیان آن «ردِ پا» را دنبال کردند و به چند کوزن شمالی برخورد کردند که با سم‌های نیرومند خود، یخ‌ها را می‌شکستند و بنفشه‌های کوهی سرشار از مواد روغنی را می‌خوردند. هنگامی که این آگاهی به ورنشینان رسید، آن روز را روز نو یا «نوروز» نامیدند و جشن برپا کردند، یعنی

۱- محمدتقی سیاه‌پوش؛ پیرامون آب و هوای باستانی فلات ایران، ۲۵.

۲- سنت «ور» نشینی یا زندگی در زیرزمین، در جای‌جای این سرزمین حتی در مناطق گرم تا این زمان‌های نزدیک پابرجا بود. مردمان تهران، تا گزینش این شهر به گونهٔ پایتخت از سوی آقا محمدخان قاجار، در زیرزمین زندگی می‌کردند. کنت گوینو در کتاب سه سال در آسیا به «ور» نشینی (غار زیرزمینی) در مناطق شمال عثمانی هم‌مرز ایران اشاره دارد. باید دانست که نام جاهایی که دارای واژه «ور» هستند، مانند ورامین، راور با سنت «ورنشینی» پیوستگی دارد. ۴ جشن بزرگ ایرانیان (با نگاهی به خرده جشن‌ها)، هوشنگ طالع، ۷.

با شادی به نیایش کردگار جهان برخاستند.

از آنجا که ایرانیان آگاهی‌های بسیاری در زمینهٔ اخترشناسی داشتند، برای ماندگاری و فراموش‌نشدن هنگام آن، تاریخ آن را به روز اول فروردین یعنی تعادل بهاری جابجا کردند یا آن روز، به راستی یکم فروردین ماه بود.^۱ پایه‌گذاری نوروز در روزگار جم وی‌ونگ هان^۲ و کمایش در سال‌های ۹۵۰۰ تا ۹۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بوده است. در اوستا می‌خوانیم:

آنگاه اهورامزدا به جم گفت:

ای جم هورچهر، یسر وی ونگ هان!

بدترین زمستان بر جهان استومند فرود آید که زمستانی سخت مرگ‌آور است.^۳

بدین ترتیب مشعلی چنین تابناک و درخشان در افق تاریخ فلات ایران طلوع کرد و حتی ظهور سلسله‌هایی چون مقدونیان نیز وقفه‌ای در تابش آن به وجود نیاورد. رنه گروسه، عضو سابق فرهنگستان فرانسه و مدیر انجمن مطالعات ایران‌شناسی و هنر ایران می‌گوید: «اسکندر نه تنها تمدن یونانی را به ایران نیاورد، بلکه خود را وارث و جانشین

۱- هوشنگ طالع؛ ۴ جشن بزرگ ایرانیان (با نگاهی به خرده جشن‌ها)، ۳۴-۳۵.

۲- جم فرزند وی‌ونگ هان با جم شاهنامه فرزند تهمورث، نامبردار به جمشید دو شخصیت جداگانه با اختلاف زمانی چند هزار سال هستند. تاریخ تمدن فرهنگ ایران کهن، ۱۵۳-۱۷۲.

۳- اوستا، کهن‌ترین سرودهای ایرانیان؛ جلیل دوستخواه، وندیداد، ج ۲، ۶۶۹.

داریوش و خشایارشا خواند و شکل و شمایل ایرانی به خود گرفت.^۱ ایرانی روزگار باستان، با اندیشه‌ای اهورایی، اوج شکوفایی خویش را در اسلام بازیافت و در ایران اسلامی خود را باز شناساند و در راستای جنبش و شکوفایی نوین خود، بعد تازه‌ای در اسلام یافت. تأثیر این تمدن بازیافت شده نوین چنان ژرف بود که بیگانگانی چون سلجوقیان، مغولان و تیموریان را پس از مدتی به‌طور کامل ایرانی کرد و هر بار با همان فرهنگ درخشان، به باز نمود چهرهٔ اصیل خویش با پویایی و سرزندگی به‌سوی تجدید حیاتی دوباره حرکت کرد. فرهنگ و تمدنی ژرف مبتنی بر اصول اصیل انسانیت که به هر ایرانی این امکان را می‌داد تا با آزادی کامل تأثیرات مثبت بیگانه را بدون گریز از خویشتنِ اصیل و نجیب خویش پذیرا باشد. بر همین پایه بود که ادبیات ایران با الهام از این آرمان سترگ انسانی و با مداومت مردم نجیب این سرزمین در زندگی معنوی، ارزشی جهانی یافت و نام‌آورانی از جرگهٔ عارفان چون سعدی و حافظ و مولانا بر تارک ادبیات جهان خوش درخشیدند.

اکنون در روزهای پایانی نخستین روزهای سدهٔ دیگر خورشیدی، پلی به گذشته می‌زنیم تا راهی برای موجودیت اکنون خویش بیابیم، گذشته‌ای درهم‌تنیده با شعر و شعور و معنویت.

فلسفهٔ این نوشتار که به نام هفت‌سین عارفانه نامیده شده، یادمانی است از سال ۱۳۹۴. در سفری به آذربایجان، به همراهی استاد ارجمندم جناب دکتر کاظم محمدی و گروهی از دوستان همراه، در یک شب

۱- رنه گروسه؛ روح ایران، مقاله روح ایران و خلیقات ایرانی، ۲۸.

پیش‌گفتار * ۱۵

بهاری دل‌انگیز، پس از سخنرانی استادم دربارهٔ فلسفهٔ بهار، پرسشهایی دربارهٔ ماهیت نگاه عارفان به بهار در ذهنم شکل گرفت.
هوای دلپذیر آن شب بهاری، و به قول سهراب:

«تهی بود و نسیمی

سیاهی بود و ستاره‌ای

هستی بود و زمزمه‌ای

لب بود و نیایشی

من بود و تویی

نماز و محرابی»^۱

آن سخنان ناب که ستاره‌بارانی از معنا بود و با روح همراهی دوستانی که به همدلی، نیروی مهر را می‌گسترند، مرا بر آن داشت تا از آن مفاهیم پرسم و سرانجام آموزگارم پاسخ مرا با غزل مثنوی^۲ بدادهٔ زیبایی پاسخ دادند.

وہ چہ بی‌رنگ و بی‌نشان کہ منم

کی بینم مرا چنان کہ منم

گفتی اسرار در میان آور

کو میان اندر این میان کہ منم

۱- سهراب سپهری؛ هشت کتاب، دفتر «آوار آفتاب»، شعر «محراب».

۲- مثنوی غزل یا غزل مثنوی قالبی است ترکیبی، مرکب از مثنوی با یک یا چند غزل که در دهه‌های اخیر مورد استقبال قرار گرفته است. این قالب به طور معمول با مثنوی شروع شده و در ادامه به صلاح‌دید شاعر شکل غزل به خود می‌گیرد و ممکن است این چینش برعکس هم باشد.